



۹۹

سویا لسیم امروز

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۱۱ می ۲۰۱۹

www.simroz.org

S\_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

## گذری بر تنش های اخیر مابین امریکا و ایران

صفحه ۵

## سنندج و تکرار قتل های ناموسی و جنایت علیه زنان

صفحه ۱۰

## اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت

صفحه ۶

## قتل‌های ناموسی و خشونت علیه زنان

صفحه ۴

## کودکان،

## اولین قربانیان دست جمهوری اسلامی هستند

صفحه ۹

صفحه ۹

## سمینار در باره بالا گرفتن کشمکش دولتهای ارتجاعی ایران و امریکا و پیامدهای آن

صفحه ۴

## نامه "هادی خرسندی" به رضا پهلوی

صفحه ۸

## علیه سیاستهای ارتجاعی دولتهای امریکا و جمهوری اسلامی باید متحد شد!

سلام زیجی

در ادامه کشمکش طولانی مدتی که به اسم "هسته" ای بخورد جهان داده شد، اکنون دامنه این جدال به نقطه بسیار خطرناک و پرهزینه‌ی رسیده است. باید با هوشیاری و قاطعیت علیه این جدال مخاطره آمیز و ارتجاعی پیش رو به میدان آمد. دو دولت فاشیست، دو دیوانه و کانگستر اسلامی و ملی گرائی ماشه به دست صدای زوزه جنگ طلبی خود را بر فراز منطقه به صدا در آورده اند. با تهدید و مانور نظامی و مسموم کردن فضا و به منظور امتیاز گرفتن و باجگیری از یکدیگر در راستای رسیدن به مقاصد قلدرمابانه و ضد انسانی و ارتجاعی خود به سرنوشت میلیونها انسان بازی میکنند، و در این راستا نیز به روال معمول شهروندان را زیر رگبار پروپاگند دروغین خود غرق کرده اند.

تا کنون نفس جدال طولانی مدت بورژوائی و بیربط به منفعت جامعه تحت عنوان "هسته" ای، نفس دیپلماسی بازی گربه و موش این دو دولت ضد مردمی، فضای جنگی تحمیل شده، و گسترش دامنه "جنگ اقتصادی" و اعمال ضد انسانی تحریم اقتصادی، به اندازه کافی آسیبهای زیادی به جنیش ما، و به جامعه ایران و شهروندان منطقه وارد کرده است. اهداف و سناریوهای که دولتهای جمهوری اسلامی و امریکا و همپیمانانشان در منطقه نمایندگی کرده و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



علم کردن جمهوری اسلامی در این ظرفیت و تلاش برای مهار و عقب نشینی به آن در منطقه قرار است به همین هدف خدمت کند، نه کمک به آزادی و خوشبختی "مردم ایران!"

اما چنانچه فشار امریکا به هر دلیلی و از هر سوئی به عرصه نظامی کشیده شود، بر عکس تصورات که هست اتفاقا بر عمر رژیم اسلامی میافزاید. چنین جنگی، حتی در کوتاه مدت و تاکتیکی هم در درجه اول دست رژیم را در مرعوب کردن و سرکوب هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان ناراضی بازتر میگذارد و آنها را مجبور میکند که در مبارزه سرنوشت سازی که همواره سیاستهای امریکا و دخالتهای آن عاملی در عقب راندن آن بوده است، بیش از پیش به حاشیه براند، و آنها را از دخالت سیاسی موثر دور میسازد. ثالثا کمک میکند هیات حاکمه جمهوری اسلامی، درست مانده دوره اخیر، حول سیاست و اقدام فالانژیستی واحد تری علیه جامعه منسجمتر شود. اقدام نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی در هر شرایطی، از جمله در این دوره که این رژیم فاسد و جانی با کشمکش گسترده و رودررو با کارگران و زنان و مردم زحمتکش مواجه است، به یک نعمت آسمانی برای رژیم منحوس اسلامی تبدیل خواهد شد.

در چنین فضای افسار جمهوری اسلامی حتی علیه مخالفین خود در داخل و بیرون مرزها نیز بیشتر رها خواهد گردید و تردیدی نیست بدون مانع دست به جنایتهای بیشماری خواهد زد. بعلاوه، تجربه زنده و بسیار درد آور منطقه نیز نشان داده است که از لوله تفنگ ارتش امریکا بجز سیاهی و جنایت چیز بهتری جانشین هیچ نظام "ساقط شده"ی از جانب ارتش امریکا و نیروهای مزدور و همراه آن نخواهد شد.

← ادامه

### علیه سیاستهای ارتجاعی دولتهای ...

یکی از جوانب بسیار هشدار دهنده برای اکثریت مردم آزاده ایران سیاستهای ضد آزادیخواهانه و ارتجاعی بخشهای زیادی از اپوزسیون راست، بخشا چپ بورژوا و پرو غرب هم، در برخورد به این کشمکش است که باید با تمام قدرت چنین اپوزسیونی را از صفوف خود طرد نمود، چرا که اینها همان نقش مزدوری و پیاده نظامیان جنگ داخلی ایفا میکنند که تروریستهای اسلامی و قومی و ملی گرایان در عراق و سوریه و لیبی و یمن و غیره دارند انجام میدهند و حاصل بی حاصل آن نابودی جامعه و انسانیت بوده است.

برای برخی از اپوزسیون مرتجع ایرانی، اعم از ناسیونالیست، قومی، شونیستی و مذهبی، سیاست محاصره اقتصادی و تهدید نظامی، و حتی آرزوی شروع جنگ مستقیم و یا غیر مستقیم از جانب امریکا یا ایران، به منزله حکم سرنگونی قریب الوقوع رژیم محسوب میشود. در حالی که چنین سیاستی ضمن اینکه به یک توهم تو خالی استوار است، اما هر گونه امید و آرزوی که با کشتار بخشی از جامعه و با بمب و موشک بخواهد به نتیجه برسد باید به آن امید و آرزو لعنت فرستاد و جلوش را گرفت! واقعیت سیاسی امروز ایران این است که یک رکن مهم پیروزی قربانیان دست جمهوری اسلامی دفن کردن چنین اپوزسیونی به همراه خود جمهوری اسلامی و به وسیله قدرت و قیام کارگران و آزادیخواهان متحد و متشکل و مسلح میباشد!

برخلاف تصور اکثر این جریانات و بخشی از مردم متوهم، امریکا و غرب قصد سرنگونی رژیم را ندارند. نقض "حقوق بشر" و جنایات رژیم علیه مردم، دغدغه امریکا نبوده و نیست. حتی مساله بر سر تروریسم رژیم اسلامی و یا خطر دستیابی آن به سلاح هسته ای هم نیست. خنثی کردن جمهوری اسلامی و "بنیادگرایی اسلامی" و اینکه این حکومت آنطوری که مقامات امریکایی نیز بارها گفته اند "به عنوان یک دولت معمولی در منطقه" نقش داشته باشد، هم هدف امریکا را تامین میکند و هم به نوعی راه پیروزی امریکا بر قطب های مقابل، مانند روسیه و چین و تثبیت سیاست فاشیستی خود در قبال مشکل فلسطین و تامین سلطه امریکا بر منابع گسترده اقتصادی و فروش تسلیحات در منطقه را نیز میتواند تامین کند.

میکنند در ادامه همان اهداف ضد انسانی پشت سناریوهای وحشیانه و جنایتهای هولناک تجربه شده در عراق و سوریه و یمن و لیبی و افغانستان و نابودی زندگی دهها میلیون انسان میباشد. اینها دولتهای سرمایه داری اسلامی و دموکراسی- ملی گرایانه ی هستند که همواره خون و جنایت و آدمکشی و تروریسم بخش تفکیک ناپذیری از موجودیت و استراتژی آنها را شکل داده است. باید جلو این جنایتکاران تاریخ را گرفت. باید به امثال ترامپ و خامنه ای افسار زد!

به دنبال گسترش دامنه سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی امریکا و تروریست خواندن بخشهای از نیروهای آدمکش یکدیگر از جانب هر دو سو، و در ادامه بحرانها و جدالهای که هر کدام در کشور تحت حاکمیت خود با آن مواجه هستند، و بر بستر رقابتهای ضد انسانی سرمایه داران جهانی و منطقه ای، کانگسترهای آدمکش امریکایی و جمهوری اسلامی ترجیح داده اند اوضاع را نظامی تر و پر مخاطره آمیز تر کنند تا به اهداف خود نائل گردند، و از این مسیر بتوانند دریچه ای برای عبور خود از معضلات گسترده دست به گریبان هر دو دولت جنایتکار در امریکا و ایران نیز بدست بیاورند. "ناو هواپیما بر آبراهام لینکلن" و گسترش تحریمها و حمایت "قاطع" از اسرائیل از سوی دولت ترامپ و ارسال موشک به حاشیه خلیج فارس و نمایش و تهدید "حشد شعبی" و حزب الله، و به گرو گرفتن و قیحانه زندگی پناهندگان بیدفاع افغانی مقیم ایران، که اگر "مجبور شوند از برادران و خواهران افغانی میخوانند کشور را ترک کنند"، و به عنوان کارت بازی سیاسی و فشار بر اروپا و امریکا به این سیاست چندان آور روی آورده اند، همه دال به ورود به یک کشمکش پر هزینه تر در راستای تامین منافع دو قطب جنایتکار و تروریست پرور بورژوازی است. و اما نباید اجازه داد این دولتهای نامسئول و جنایتکار بیش از این فضا را به نفع خود مهندسی نمایند و مخاطرات بیشتری را متوجه جامعه در ایران و منطقه کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## علیه سیاستهای ارتجاعی دولتهای ...

ما سیاستهای قلدرمآبانه "ضد بمب هسته ای" دولتی که خود اولین دولت در جهان بوده دست دمکراسی اش با بکار گیری بمب هسته ای به خون صدها هزار انسان رنگین شده است، دولتی که برای تحمیل ناکامی بر قیام آزادیخواهان سال ۵۷ خمینی جلا و جمهوری اسلامی را بر مردم ایران تحمیل کرد، دولتی که هم اکنون پرچم فاشیسم و خرافات ملی گرایی و ریاضت اقتصادی گسترده را در جهان نمایندگی میکند، دولتی که پرونده سیاه تحمیل جنگ و جنایت و شکل دادن به جریان تروریستی و به خون کشاندن چندین کشور منطقه را همراه خود دارد، نظامی که دمکراسی و حقوق بشر و انساندوستی اش با چند میلیون بشکه نفت و فروش چند میلیارد دلار اسلحه همواره قابل دادوستد کردن بوده است، دولتهای قلدری که در پوشش فریبنده "حقوق بشر" قلدری و زورگوئی و لشکر کشی و جنگ و تروریسم پروری را از جمله در خاورمیانه نمایندگی کرده اند، و آشکارا دروغ میگویند و هرگز خواهان کنار زدن جمهوری اسلامی نیز به نفع طبقه کارگر و مردم محروم نبوده و نیستند، امروز نیز نباید حق داشته باشند یکبار دیگر در پوشش "فشار حداکثری" به جمهوری اسلامی چنان القا کنند که گویا به "نفع مردم ایران" دارند عمل میکنند.

در عین حال ما جدال جمهوری اسلامی با آمریکا را نیز جدالی بر سر حق و در دفاع از شهروندان و علیه "شیطان بزرگ" نمی دانیم، مطلقاً جدالی برای دفاع از منافع شهروندان در ایران و منطقه نمی دانیم، برعکس در راستائی محروم کردن هر چه بیشتر مردم زحمتکش از دست یافتند به حق و حقوق اولیه انسانی و شهروندی خود میدانیم.

به منظور عبور دادن خود از بحرانهای عمیق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی که در آن دست و پا میزند، سیاستهای دخالتگرانه اش در منطقه و شکل دادن به نیروهای تروریستی مشابه خود را نیز راهی برای سرکوب عریانتر و کم هزینه تر جامعه معترض ایران ارزیابی میکنیم.

جدال جمهوری اسلامی در پوشش هسته ای با آمریکا و جهان بورژوائی جدالی بر سر سهم خواهی بیشتر خود از سرمایه و دستاوردهای موجود بورژوازی جهانی به عنوان بخشی از این طبقه استثمارگر میباشد. در عین حال سهم خواهی و به رسمیت شناخته شدن این بخش بورژوازی حاکم بر ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای "حلال شیعه" و پذیرش این صف ارتجاع در منطقه از جانب آمریکا و همپیمانان آن بخش دیگری از اهداف تعقیب شده جمهوری اسلامی است.

خلاصه، ما فکر نمیکنیم که با اتکا به بمب هسته ای و ارتش جنایتکار آمریکا میتوان تلاش هسته ای جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح و تروریست و جنایتکار انزرا خنثی و یا تضعیف کرد. بر عکس کلیه دخالتها و سیاست و اقدامات تا کنونی آمریکا به بقای ننگین جمهوری اسلامی کمک کرده است و از دست رزمنده و معترض کارگران و اکثریت شهروندان نجاتش داده است.

اگر قرار است سلاح کشتار جمعی برچیده شود، که باید چنین هدفی در راس مطالبه جامعه جهانی قرار بگیرد، در گام نخست باید از دولت آمریکا و بقیه دولتهای امپریالیستی و مسلح به انواع سلاح کشتار جمعی شروع نمود

تا بتوان مانع دسترسی دیگر دولتها و جنبشهای ارتجاعی بورژوازی به چنین سلاحهای شد.

از نظر ما همراهی کردن با هر یک از این دو دولت جنایتکار و فرار گرفتن در جبهه آنها به معنی شراکت در سیاست و جنایت دو قطب ارتجاعی هیئت حاکمه آمریکا و جمهوری اسلامی و علیه نفس انسانیت و آزادی انسان از جنگ این دو هیولای ضد انسانی است. باید همزمان علیه هر دو بود. ما هم برای سرنگونی رژیم اسلامی، با اتکا به قیام کارگری و آزادیخواهان تلاش میکنیم و هم قلدری نظم ارتجاعی هیئت حاکمه آمریکا و ترامپ و دیگر قدرتهای امپریالیستی و بورژوازی در جهان و منطقه را عامل سیه روزی و جنگ و فقر و ممانعت از آزادی و برابری و سعادت انسانها میدانیم.

برای طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی ما، و برای مبارزه آزادیخواهان و برابری طلبان در ایران و منطقه و جهان پایان دادن به موجودیت چنین رژیم های حاکم سرمایه داری گام نخست دست یابی به آزادی و برابری و برخورداری از یک جامعه ای انسانی خواهد بود.

**نه به هیت حاکمه آمریکا! نه به جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی و برابری، زنده باد سوسیالیسم!**

"... چشم انداز حزب ما برای وقوع یک انقلاب دیگر، دوباره تاکید کنیم منظور یک انقلاب انقلابی متعلق به کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت، و به هدف استقرار نظام سوسیالیستی، تماماً در گرو درس گرفتن جدی ما از انقلاب ۵۷، در گرو عروج متشکل و متحزب طبقه کارگر، در گرو تبدیل شدن احزاب مانند حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب سیاسی بزرگ تودی ای-کارگری و آماده برای نبرد جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی با جمهوری اسلامی و کلیت نیروهای راست ملی و اسلامی که دست به اسلحه دارند و میتوانند در تند و پیچ سیاسی پیش رو با حمایت امثال آمریکا و دیگر جنایتکاران امنیت و آرامش جامعه را به هم بزنند، در گرو تدارک همه ملزومات ضروری و فوری سرنگونی جمهوری اسلامی است!

ما معتقد هستیم بدون وجود چنین آمادگی هر شکلی از سرنگونی یا انقلاب، علیه جمهوری اسلامی، حتی به وقوع هم پیوندند، در بهترین حالت ممکن کارگر و زنان و جوان مبارز و سوسیالیستها و کمونیستهای انقلابی همان چیزی بدست خواهند آورد که سال ۵۷ تا کنون بدست آورده است. ما یک نیروی واقع بین هستیم، از هیاهو و پوپولیسم بازی، دنباله روی از "مردم" و جنجال و خود فریبی خوشمان نمی آید. فکر میکنیم برای پیروزی قطعی کامل بر جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی و سوسیالیسم باید هزاران بار بیشتر از موفقیت کنونی از هر نظر آماده تر شد!..." (سلام زبجی)

**نه به تحریم اقتصادی، نه به آمریکا، نه به جمهوری اسلامی!**

## قتلهای ناموسی و خشونت علیه زنان

گه‌لاویژ عه‌بدیکانی



قتلهای ناموسی به عنوان یکی از انواع خشونت علیه زنان، به بهانه دفاع از شرف و ناموس خانواده صورت می‌گیرد.

زنان بسیاری به دلیل مالکیت سنان عقب مانده ارتجاعی و اسلامی در خون و فریادری نداشتند بر عکس قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی صراحتاً. غلبه‌دهاند با روی کار آمدن این رژیم زن ستیز و از قاتلین قتل‌های ناموسی پشتیبانی نموده است و وضع قوانین کاملاً ضد زن در قانون اساسی کشور عملاً میدان را برای تاخت و تاز و قانون ۶۳۰ طبق ماده. خشونت هرچه بیشتر مردان بر علیه زنان آزاد گذاشته است مجازات اسلامی هرگاه مرد همسر خود را در حال زنا با مرد دیگری ببیند می‌تواند قانون مجازات اسلامی ۲۲۰ طبق ماده. در همان حال هر دوی آنها را به قتل برساند پدر و جد پدری در صورت کشتن فرزند قصاص نمی‌شوند طبق ماده ۲۰۸ مجازات اسلامی هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکه نداشته باشد یا اینکه شاکه داشته ولی از قصاص گذشته باشد شخص قاتل به حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد. طبق قوانین موجود در جامعه ایران، پدر و برادر، شوهر و جد پدری دستی کاملاً آزاد در کنترل زنان و حتی فراتر از آن، به قتل رساندن زن یا خواهر یا فرزند خود به هر بهانه‌ای واهی دارند. در ایران عملاً قوانین بازدارنده‌ای برای پیشگیری از این معضل وجود ندارد چرا که مردان میدانند که قانوناً هیچگونه مجازات مشخصی برای آنان تعیین نشده است گذشته از آن نیز عرف جامعه نیز از این اقدام «قتل ناموسی» استقبال نموده و گاهی نیز حتی مقتولین را مستحق چنین مجازاتی میدانند. قتل ناموسی خشونتی دیرپاست و چون پای حیثیت خانواده در میان است به صورت پنهان رخ میدهد و کمتر به افکار عمومی راه پیدا میکند و بر آن سرپوش نهاده میشود. این دختران خیلی خاموش کشته می‌شوند، دفن می‌شوند خبر و سرگذشت و داستان شان را هم با خودشان دفن می‌شود و تمام می‌شود.

در جوامع سنتی، زنان وابسته به مردان هستند. این وابستگی در روندی اجتماعی منجر به نوعی بردگی شده است به طوری که کل وجود زن حتی زندگی او در اختیار مرد است و مرد در ارتباط با سرنوشت زن حق تصمیم‌گیری دارد. تا زمانی که جامعه مردسالار است و قوانینی وجود دارد که به این تفکر پر و بال میدهد این مسائل هم وجود خواهد داشت. برخلاف قتل‌های دیگر، در قتل‌های ناموسی قاتل فراری نیست و برعکس قاتل فاتحانه و با احساس غرور به اقدام خود اعتراف میکند. و تا زمانی که قانون و عرف جامعه به این افراد به چشم مجرم ننگرد و برعکس این عمل را در جهت اشاعه‌ی امر به معروف و نهی از منکر بداند و حتی در مجازات آنان تخفیف قایل شوند، این فجایع را پایانی نخواهد داشت. از طرفی دیگر، حاکمیت این نوع تفکر که چنانچه یک مرد خرجی و نفقه زنی را پرداخت نماید پس مجاز است هرگونه خشونت و تندخویی علیه همسرش روا دارد. و از آنجا که برخورد خشونت‌آمیز با زنان در خانواده و حتی قتل‌های ناموسی قانوناً برخوردی با آن نمی‌شود و در جامعه رواج پیدا نموده و تبدیل به یکی از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه میشود. در ایران با توجه به سایه‌ی شوم مذهب سیاسی در حاکمیت و نظام سیاسی و با توجه به اینکه با تکیه به ایین و مذهب بسیاری از این جنایات را در خود ادغام نموده است می‌توان قتل‌های ناموسی را به جنایات مذهبی تعبیر نمود. این نوع قتل‌ها سنتی سیاه است که مرز نمی‌شناسد. به منظور جلوگیری از این اقدامات خشونت‌آمیز و در نهایت خاتمه دادن به آن: - در درجه اول تغییر قوانین اسلامی زن ستیز و حامی خشونت علیه زنان در قانون اساسی این کشور و حذف آنها - ارتقا سطح فرهنگی جامعه و تغییر دیدگاه دینی حاکم بر آن اشاره نمود. به امید دست یافتن به جامعه‌ای امن و عاری از هرگونه خشونت برای زنان و دختران جامعه‌مان.

سمینار در باره بالا گرفتن کشمکش دولتهای ارتجاعی ایران و امریکا و پیامدهای آن، به زبان کردی، و ارائه دهنده بحث سلام زیجی از جانب حزب سوسیالیست انقلابی ایران زمان، فردا یکشنبه شب ۱۲ می، ساعت ۲۰ به وقت اروپای مرکزی و ۲۲، ۳۰ به وقت ایران در شبکه اجتماعی فیس بوک

**سمیناریک سه‌بارت به مملانه‌ی نیوان دولتی کوماری نیسلا می نیران و دولتی نامریکا**

ناگاداری هموو کریکاران و زه‌حمتکیشان و هاورییان و دوستانی خوشه‌ویست ده‌کین که شهوی یک شنبه، ریکه‌وتی ۲۲ ی مانگی گولان به‌رابهر له‌گهل ۱۲ ی مانگی مه‌ی، کات ژمیر ۲۰ به‌کاتی نوروپای ناوه‌ندی و (۲۲، ۳۰ به‌کاتی نیران) به شیوه‌ی راسته‌و‌خو باسیکمان ده‌بی سه‌بارت به: قوولتر بونه‌وه‌ی کیشه‌کانی نیوان حکومت نیسلا می نیران و ده ولتی نه‌مریکا و ناکامه‌کانی بو کومه‌لگاو هه‌روه‌ها نه‌رکه‌کانی نیمه وه‌ک هیژیکی شورش‌گیرو به‌ر پرس له‌و ناسته‌دا.

**میوانی به‌نامه:** هاورئ سه‌لامی زیجی له لایه‌ن حیزی سوسیالیستی شورش‌گیری نیرانه وه ده‌بی **شویین:** توری کومه‌لایه‌تی فیسبوک له‌سهر دیواری: هاورئ عه‌زیزی **ناجیکه‌ند Hiln Aziz**

ده‌بیرخانه‌ی حیزی سوسیالیستی

شورش‌گیری نیران

Iransocialist2017@gmail.com

۲۰۱۹ می ۹

**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**

## گذری بر تنش های اخیر مابین امریکا و ایران

زاگرس ابراهیمی



مسئله

دوم مساحت جغرافیایی و تجهیزات نظامی کشوری است که قرار است بر علیه آن اعلام جنگ شود. از آنجایی که همه ما شاهد هستیم آمریکا طی این همه سال نتوانسته القاعده ای که در افغانستان با آن امکانات محدود نظامی و مساحت جغرافیایی محدود شکست دهد، و در نهایت خواستار مذاکره با آنها شد، حال چگونه میتواند دولتی را سرنگون کند که به مراتب به سلاح های نظامی روز مجهز و نیروی انسانی صدها برابر بیشتر از القاعده را دارد! دولتی که حتی نیروهای نیابتی و تحت فرمان آن از حماس، حزب الله، انصارالله یمن و حشد شعبی و... بخش اعظمی از منطقه را به کنترل خود در آورده اند. بیان این حقایق به این هدف صورت میگیرد که نمیتوان با زور نظامی یک دولت ثالث دولتی مانند جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت، همانگونه که چنین زورگویی به پایان القاعده منجر نگردید به سرنگونی حکومت اسلامی هم منجر نخواهد شد. بر عکس به تداوم بقای حاکمیت چنین نظام ضد مردمی بیش از پیش کمک خواهد کرد. از این روی جرقه جنگ با ایران به معنای جرقه جنگ در کل منطقه است. و اگر جنگ تمام عیاری رخ دهد عواقب آن را هیچ کدام از طرفین درگیر جنگ نمیتواند پیشبینی کند. و بی تردید قربانیان اصلی آن مردم بی دفاع در ایران و منطقه خواهند بود.

در هر صورت برای ما امنیت و آسایش و منفعت مردم رنج دیده منطقه اصل است که اکنون از هر دوی سوی این دعوای ضد انسانی با مخاطرات جدی روبرو شده است. باید تلاش کنیم که نه تنها جنگی صورت نگیرد بلکه ضروری است همه انسانهای آزادیخواه در منطقه و جهان به میدان بیایند و کاری کنند که دست زورگویانه، دخالتگرانه و آدمکشی هم دولت امریکا و هم جمهوری اسلامی از سر مردم منطقه و ایران کوتاه گردد. جامعه انسانی بدون حضور چنین دولتهای بیشتر رنگ انسانیت بخود میگیرد.

به همین خاطر امریکا نیز اقدام به اعزام ناو ابراهام لینکن به خلیج فارس کرد، اما آیا اعزام این ناو به جنگ میان دو کشور ختم میشود یا به راه حلی برای توافق مابین دو کشور باید مسائل را ریز بینانه تر بررسی کنیم.

از لحاظ جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی در خاورمیانه از آنجایی که همیشه تحت کنترل نیروهای استعمارگر و مداخله نظامی آنها در این کشورها بوده ایم، زمانی که روزانه اخبار منطقه را دنبال میکنیم میبینیم که هر روزه تعداد زیادی از مردمان این کشورها قربانی جنگ های موجود در منطقه و سیاست جنگ طلبانه قدرتهای استعمارگر و از سوی دیگر جنگ و دخالت و زورگویی خود دولتهای حاکم اسلامی و ملی گرا و همراهی و یا تقابل آنها با قدرتهای امپریالیستی و قلدر مانند امریکا و روسیه هستیم. به صورتی که خبر کشته شدن مردم بی گناه در رسانه ها و شنیدن این اخبار برای مردم خاورمیانه آنچنان عادی به نظر میرسد که گویا اتفاق خاصی نیفتاده است. اما در کشور های غربی زمانی که از طرف گروهک های تروریست و تند رو اسلامی مورد حمله قرار میگیرند و تعداد کمتری انسان بی دفاع کشته میشوند خبر این اتفاق در کشورهای غربی و در میان مردمان آن به نحوی بازتاب خواهد یافت که گویا جنگ جهانی سوم رخ داده است، و تمام کشورها برای قربانیان آن حادثه اعلام همدردی میکنند و برخورد قاطع با عوامل آن اتفاق را خواستار میشوند. البته عکس العمل بسیار بجائی است و نباید تروریسم و قتل شهروندان را در هیچ جای تحمل کرد، اما تناقض قضیه اینجا است که چنین حس و مسئولیتی در قبال رویدادی به مراتب وحشتناکتر در این منطقه جنگ زده خاورمیانه وجود ندارد. و این عدم حساسیت به جان و سرنوشت شهروندان منطقه دست همه آدمکشها ی جهانی و منطقه ی را در این منطقه بازتر کرده است.

چنین بنظر میرسد که نفس چنین موقعیتی در خاورمیانه تحمل تلفات جنگی برای دولتهای غربی و شهروندان آن قاره را دشوارتر کرده است و همین کارت فشار بزرگی بر دولت مداران کشورهای غربی است که وارد جنگ تمام عیاری که قرار است تلفات سنگین انسانی داشته باشند نشوند و از جنگ رودرو پرهیز نمایند. و در مقابل از راه دور و با استفاده از سلاحهای پیشرفته بی محابا هر جای که بخواهند جامعه را بر سر شهروندان و رقبای خود ویران میکنند.

همانطور که شاهد هستیم تنش های مابین دو دولت امریکا و ایران بر سر تامین منافع خود در منطقه به اوج خود رسیده است. به گونه ای که به گفته مقامات امریکایی، ایران و نیروهای نیابتی آن در منطقه در صدد حمله به نیروهای نظامی امریکایی مستقر در منطقه و بخصوص عراق هستند. کلید عملی این تنش ها و تهدیدات عملی نظامی زمانی به وقوع پیوست که سفارت امریکا در بصره مورد هجوم نیروهای عراقی تحت فرمان ایران قرار گرفت و بعد از آن نیز به سفارت ایران در بصره حمله شد. در نهایت هر دو سفارت این کشورها مورد هجوم افراد مسلح قرار گرفت و امریکا ناچار شد که سفارت خود در شهر استراتژیکی بصره را تعطیل کند. اما ادامه تنش های بعدی یعنی اعمال بیشتر تحریم های کمرشکن اقتصادی بر ایران سبب آن شد که دولت اسلامی حاکم بر ایران میان دو گزینه تسلیم شدن در مقابل خواسته های امریکا و مقاومت در مقابل آنها، "راه مقاومت" را در پیش گیرد و همانند تحریم های امریکا در صدد فشار متقابل بر امریکا شود. و از آنجایی که ایران توان تحریم متقابل امریکا را نداشت به کارت هایی که در منطقه بر ضد منافع امریکا میتوانست بازی کند دست زد.

از تنش های جدی اخیر مابین دو کشور میتوان تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران و تهدید متقابل ایران به بستن تنگه خلیج فارس و باب المندب، قرار دادن سپاه پاسداران در لیست ترور امریکا اقدام متقابل و به تروریست شناختن نیروهای نظامی امریکا موصوم به سنتکام در منطقه از سوی مجلس ایران نام برد، از طرف دیگر بی اعتنائی دولت های اروپایی بر انجام تعهدات خود در توافق برجام سبب شد که فشار تحریم های اقتصادی امریکا بیشتر کمر اقتصاد ایران را خرد کند، از آنجایی که ایران نیز سیاست مقاومت یا به قول معروف زور در مقابل زور را در پیش گرفت به این نیاز داشت که تهدیدات خود و فشار بر امریکا را از آن قالب تهدید به عمل تبدیل کند و گزینه مد نظر آنها نیز به خطر انداختن بیشتر منافع و نیروهای امریکایی در منطقه و بخصوص عراق بود.

**بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**

## اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت

### تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



قند این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این چندمین بار است که چغندرکاران نقده دست به

اعتراض زده و خواهان پرداخت مطالبات خود می‌باشند. چغندرکاران معترض گفتند تا کنون چندین بار در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود مقابل نهادهای مختلف دولتی دست به تجمع زده‌اند ولی هیچ پاسخی به آنها داده نشده است.

### اخراج یکصد و چهل کارگر حوزه پتروشیمی

در حالی که سال ۹۸ توسط خامنه‌ای، سال «رونق تولید»، نام‌گذاری شده است، در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، تنها در سه بخش و ظرف یک ماه، حدود ۱۴۰ کارگر از کار اخراج شده‌اند.

در پتروشیمی بندر خمینی، شرکت مهندسی موجان که مجری طرح احداث تصفیه‌خانه مرکزی این شرکت است، در حالی که از زمستان سال ۹۵ تاکنون، تنها حدود ۵۰ درصد پیشرفت پروژه داشته است، ۵۰ کارگر خود را به بهانه زیان‌دهی اخراج کرده است. در شرکت لوله‌سازی سدید ماهشهر در فاز یک منطقه ویژه اقتصادی این پتروشیمی، نزدیک به ۸۰ کارگر به بهانه زیان دهی شرکت مذکور اخراج یا در آستانه اخراج قرار گرفته‌اند. در شرکت پتروشیمی فارابی نیز حدود ۸ کارگر از مجموع ۳۵ کارگری که در معرض بیکاری هستند، به بهانه تخلف اداری اخراج شده‌اند.

### اخراج یکصد و پنجاه کارگر کارخانه کشفاب صفا

کارفرمای کارخانه "کشفاب صفا" تولید کننده انواع پارچه تریکو واقع در ۷ کیلومتر جاده مخصوص کرج به بهانه اختلاف با سهامداران کارخانه را تعطیل و یکصد و پنجاه کارگر این کارخانه را از کار بیکار کرد.

این کارگران که دارای ۲ تا ۷ سال سابقه کاری می‌باشند در این خصوص می‌گویند، به دنبال شکایت آنها به شورای تامین فرمانداری تهران، این شورای رای به باز بودن کارخانه و بازگشت کارگران به سر کار را داده و اعلام کرده بعثت خصوصی بودن این کارخانه، تا زمان واگذاری کامل و اجماع در فروش هیچ کارگری نباید بیکار شود. آنها می‌گویند کارفرما اکنون به بهانه اختلاف با سهامداران از بازگشایی کارخانه و بازگشت کارگران به سرکار هایشان ممانعت می‌ورزد.

### کشته و مسمومیت ۹ کارگر در محل کار

در جریان وقوع سه حادثه جداگانه در شهرهای "تربت جام، مهران و قزوین" دستکم دو کارگر جان خود را از دست داده و ۷ تن دیگر دچار مسمومیت شده‌اند. روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه یک کارگر ۴۵ ساله بر اثر ریزش دیوار در روستای موسی آباد واقع در شهرستان تربت جام جان خود را از دست داد. در حادثه دوم، یک دستگاه لودر در حین کار و دپوی شن و ماسه در شهر ستان مهران از ارتفاع سقوط کرده و راننده آن در دم جان خود را از دست داد. همچنین، ۷ کارگر کارخانه کریستال سازی بلورک واقع در شهرک صنعتی البرز استان قزوین بر اثر نشت گاز آمونیاک مسموم و به بیمارستان منتقل شدند.

← ادامه

بدون شک و با نگاهی کوتاه به اعتراضات کارگری در سطح ایران و به خصوص در روزهای گذشته چه قبل از اول ماه مه و چه بعد از ماه مه در میابیم که جنبش کارگری وارد عرصه دیگری از مبارزه خود شده است.

این روزها و ماه‌ها را باید روزها و ماههای اعتراضات کارگری در ایران نام برد. با توجه به آمار و ارقام در دسترس، با اطمینان می‌توان گفت که بعد از رویدادهای هفتم دیماه سال ۱۳۹۶ به این سو تعداد و ابعاد اعتراض‌های کارگری هیچگاه به این اندازه و در این سطح نبوده است. حتی در مقایسه با سال گذشته که شاهد روند افزایش یابنده اعتراضات کارگری بودیم، باز هم سال ۱۳۹۸ را می‌توان استثنایی در این میان بشمار آورد. در طول سال گذشته ۱۷۰۰ مورد اعتراض کارگری در مراکز تولیدی و خدماتی و توسط بازنشستگان در بخش‌های مختلف، به وقوع پیوست. این رقم در مقایسه با سال ۹۶ که بیشترین تعداد اعتراض‌ها را در سالهای پیش یعنی حدود ۱۳۴۰ مورد را به خود اختصاص داده بود، نشان دهنده افزایش حدود ۲۷ درصدی است. به بیان دیگر، در این سال بطور میانگین هر روز ۵/۴ اعتراض کارگری به وقوع پیوسته است. این رقم در سال ۱۳۹۵ حدود ۳ مورد و در سال ۱۳۹۶ حدود ۵/۳ مورد بوده است.

بدون شک اعتراض‌های کارگری فقط از لحاظ تعداد اعتراض‌ها نیست که شایسته این نام‌گذاری باید باشد. بلکه به این دلیل هم هست که برای اولین بار طی چند دهه گذشته، فضای سیاسی جامعه تحت تاثیر مبارزه کارگران در ایران قرار گرفته است و مسئله کارگران در سطح وسیع مطرح شده است و اقشار و نیروهای اجتماعی مختلف به آن واکنش نشان داده‌اند. در اینجا سعی می‌کنیم نگاهی به پاره‌ای از این اعتراضات داشته باشیم.

مراسم روز کارگر در بسیاری از شهرها و شهرکها، از طرف کارگران و با یاری و همراهی دیگر اقشار به جان آمده از فقر و بیکاری و گرسنگی، در گردهمایی‌هایی با جسارت و اعتماد به نفس و بدون توجه به هشدارها و احضارهای نیروهای سرکوبگر و بدون توجه به فضای امنیتی، برپا شد و شیورش در سپیده دم اول ماه مه با تمام توان دمیده شد. در این گردهمایی‌ها که مستقل از نمایشهای فرمایشی ربا کارانه و خرافی رژیم، انجام شد، ضمن گرمی داشت اول ماه مه به اوضاع نابسامان معیشتی اعتراض نموده شد و توده‌های زحمتکش و کارگران و زحمتکشان خواهان بهبود وضعیت زندگی خود و هم طبقه‌ای هایشان شدند.

### روز شمار اعتراضات در ایران در هفته‌ای که گذشت...!

#### تجمع اعتراضی کارگران روغن‌نباتی قو

روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، شماری از کارگران کارخانه روغن‌نباتی قو در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت دو ماه دستمزد معوقه خود مقابل این کارخانه دست به تجمع اعتراضی می‌زنند.

#### تجمع اعتراضی چغندرکاران نقده

روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، شماری از چغندرکاران نقده در اعتراض به عدم پرداخت یک سال مطالبات معوقه خود مقابل کارخانه

**ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!**

## گزارش و اخبار ...

تجمع اعتراضی کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن اراک روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه، شماری از کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن نواحی نورآباد و شازند اراک در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود دست به تجمع زدند.

این کارگران که تحت مسئولیت یکی از شرکت‌های پیمانکاری راه آهن مشغول کارند در خصوص تجمع خود می‌گویند، پیمانکار این شرکت از پرداخت دو ماه دستمزد ماه‌های پرداخت اسفند ۹۷ و فروردین ۹۸ به بهانه نبود نقدینگی خودداری می‌ورزد. آنها با برپایی تجمع در محل کار خود خواستار دریافت دستمزدهای معوقه و همچنین پرداخت چندین ماه حق بیمه خود به سازمان تامین اجتماعی شدند.

## تداوم تجمع کارگران روغن نباتی قو

صبح روز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه، برای چندمین بار کارگران روغن نباتی قو در اعتراض به تعطیلی این کارخانه و بلا تکلیفی کارگران دست به تجمع زدند. به گفته کارگران معترض، با گذشت دو سال از تعطیلی کارخانه روغن نباتی قو، هنوز زمان دقیق راه‌اندازی مجدد آن مشخص نیست. در این مدت تعداد زیادی از کارگران این کارخانه بازنشسته شده و کمتر از ۱۰۰ نفر دیگر بدون امید به بازگشایی مجدد کارخانه، در انتظار بازنشستگی هستند. آنها می‌گویند اغلب بازنشستگان هنوز سنوات خود را دریافت نکرده‌اند. آنها افزودند، مدیران کارخانه دستگاه‌ها و املاک را فروخته‌اند و این وعده که در حال آماده کردن مکان جدید برای کارخانه هستند، وعده‌ای تو خالی است.

## عدم پرداخت ۹ ماه حقوق و یکسال حق بیمه کارگران شهرداری هندیجان

۹ ماه حقوق و یکسال حق بیمه کلیه کارگران شهرداری هندیجان، استان خوزستان، پرداخت نشده است.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ ۱۸ اردیبهشت، پرداخت نشدن حق بیمه کارگران شهرداری هندیجان موجب تمدید نشدن دفترچه‌های تامین اجتماعی این کارگران و عدم بهره‌گیری از خدمات درمانیشان شده و برای بازنشستگی تعدادی از این کارگران ایجاد مشکل کرده است.

در میان خبرها

قتل دو خواهر جوان توسط پدر و برادرشان در سنندج  
دو خواهر جوان اهل سنندج توسط پدر و برادرشان به طرز فجیعی در نایس سنندج به قتل رسیدند.

روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۸ خورشیدی، دو خواهر با هویت "شایسته و اسرا امینی" به دست پدر و برادرشان به قتل رسیدند. این دو خواهر که یکی از آنها ۲۳ سال سن دارد و دیگری ۲۲ ساله می‌باشد، مدتی ست از همسر خود جدا شده و دارای یک فرزند بوده و دیگری ۲۲ سال سن دارد. این دو خواهر در منزل پدریشان واقع در شهرک نایس از توابع سنندج با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌اند. بر اساس آمار صندوق جمعیت سازمان ملل سالانه حدود ۵۰۰۰ زن در قتل‌های ناموسی در جهان کشته می‌شوند.

## قتل یک کولبر توسط نیروهای مسلح در نوسود از توابع کرمانشاه

بر اساس خبرهای منتشر شده، شب پنجشنبه یک کولبر در "نوسود" توسط نیروهای نظامی رژیم جمهوری اسلامی به قتل رسید. در این شب نیروهای مسلح رژیم به دسته‌ای از کولبران در بلندی‌های سنگر در منطقه نوسود یورش برده و در جریان ضرب و شتم و تیراندازی، یک کولبر با هویت "هادی موسی زاده" ۵۰ ساله اهل روستای کلاش از توابع جوانرود، به سبب سقوط از صخره توسط نیروهای نظامی ایران جان خود را از دست داد.

ادامه ←

همچنین روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه، در جریان وقوع دو حادثه کاری در کاشان و نیشکر هفت تپه ۴ کارگر به شدت مصدوم شدند. دو کارگر ۲۲ و ۲۴ ساله نقاش که برای شهرداری کاشان کار می‌کردند، حین رنگ‌آمیزی یک مخزن آب، به علت بخار حلال تینر محیط بسته دچار بیهوشی شده و به درون این مخزن ۴۴ متری سقوط کرده و مصدوم شده‌اند. همچنین دو کارگر نیشکر هفت‌تپه نیز بر اثر انفجار دیگ بخار در کارخانه مصدوم شده‌اند. در همین خصوص خانواده‌های این دو کارگر می‌گویند بعد از مراجعه به درمانگاه هفت تپه هیچ گونه همکاری توسط پزشک معالج و درمانگاه صورت نگرفت و مصدومان با وسایل شخصی به بیمارستان اهواز اعزام شدند.

همچنین در خبر دیگری می‌خوانیم: روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه، در جریان وقوع چند حادثه کاری در شهرهای زنجان و تهران، ناهود و سرابله دستکم چهار کارگر کشته و مصدوم شدند. در حادثه نخست، یک کارگر ۵۰ ساله حین کار جوشکاری در یک ساختمان در حال احداث واقع در "شهرک پونک" زنجان بر اثر سقوط از طبقه چهارم، جان خود را از دست داد. در حادثه دوم نیز، کارگر جوشکار ۴۵ ساله حین کار بر روی اسکلت فلزی ساختمان در حال احداث واقع در خیابان "کوهسار" تهران از ارتفاع سقوط کرد و از ناحیه پا، سر و دست دچار مصدومیت شدید گردید و به بیمارستان منتقل شد. در حادثه سوم، در پی وقوع انفجار و آتش سوزی در کارگاه شارژ مخازن گاز "آل پی جی" یک کارگر به شدت دچار سوختگی شد و به بیمارستان منتقل گردید. همچنین یک کارگر، هنگام ساخت استخر در شهرستان سرابله دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

## تجمع اعتراضی زنان کارگر سازمان پسماند شهرداری اهواز

روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، شماری از زنان کارگر سازمان پسماند شهرداری اهواز در اعتراض به کاهش دستمزدهای خود، مقابل ساختمان شورای شهر اهواز تجمع کردند.

به گفته این معترضان، مسئولین شهرداری اهواز علاوه بر کاهش سطح دستمزدها و عدم پرداخت آن، چندین ماه است که حق بیمه این کارگران را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده است. آنها می‌گویند تاکنون چندین بار به شهرداری مراجعه کرده و خواستار دریافت دستمزدهای خود شده‌اند ولی هر بار با تهدید به اخراج به تجمع خود پایان داده‌اند. این زنان که اکثراً، زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست می‌باشند می‌گویند با این اوضاع بد اقتصادی و عدم پرداخت دستمزدها، توانایی خرید ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگی خود و فرزندانشان را هم ندارند.

## اعتصاب و تجمع کامیونداران اردکان

روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت، جمعی از کامیونداران اردکان دست از کار کشیده و کامیون‌هایشان را در امتداد هم پارک و تجمع کردند. رانندگان معترض علت این تجمع را عدم توجه به خواسته‌های خود از جمله اعتراض به "افزایش نرخ قطعات و لوازم‌پدکی، گرانی قیمت لاستیک و عدم توزیع آن بین رانندگان، افزایش سرسام‌آور قیمت روغن و پایین بودن کرایه حمل‌ونقل" اعلام کردند. آنها همچنین نسبت به "نبودن سهمیه گازوئیل برای خودروهای خود، خرابی جاده‌ها، نحوه توزیع بار، عدم نظارت بر ارائه خدمات و رسیدگی به مشکلات توسط انجمن صنفی رانندگان به کامیونداران" اعتراض کردند.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

## گزارش و اخبار ...

در سال گذشته خورشیدی ۶۷۸ نفر در حوادث حین کار جان خود را از دست داده اند براساس داده های مرکز آمار و وزارت کار، در سال گذشته ۹ هزار و ۹۹۶ کارگر دچار حادثه شده اند که از این تعداد ۶۷۸ نفر جان خود را از دست داده اند.

طی بررسی گزارش های کارگری منتشر شده در ۱۲ ماه اخیر (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ تا ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۹۸)، مرگ دست کم ۸۵۱ کارگر در این مدت در پی حوادث کاری ناشی از فقدان ایمنی محیط یا شرایط کار توسط رسانه ها یا سازمان های فعال در این حوزه مخابره شده است.

علاوه بر ۸۵۱ حادثه منجر به فوت، تعداد ۱۴۶۵ مورد مصدومیت ناشی از حوادث کار نیز به همین ترتیب توسط رسانه ها مخابره و توسط بخش آمار این نهاد گردآوری شده است.

برای درک بهتر این موضوع توجه کنید که سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که ۱۵ هزار و ۹۹۷ نفر در ۱۰ سال گذشته (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷)، در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که ۱۵ هزار و ۷۶۷ نفر از این افراد مرد و ۲۳۰ نفر زن بوده اند. بدین معنی که به طور متوسط در ده سال گذشته سالانه ۱۶۰۰ نفر بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده اند.

بر اساس این آمار در حوادث کار عمده علت مرگ افراد سقوط از بلندی است. در ده سال گذشته ۴۱٫۵ درصد از کل تلفات حوادث کار ده ساله را کسانی که بر اثر سقوط از بلندی جان خود را از دست داده اند؛ در بر می گیرند.

ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

## نامه ای خواندنی و "تاسفبار" یک "هم میهن" رضا پهلوی به ایشان، و اشاره او به گوشه ای از حقایق مربوط به نقش فریبکارانه و ریاکاریهای سیاسی امروز رضا پهلوی و سیستم فاسد و عقب مانده شاهنشاهی

### نامه "هادی خرسندی" به رضا پهلوی:

"تاسفباره که آقای رضا پهلوی از یکسو ادعا میکند که طرفدار آزادی است، و از سوی دیگر، در مصاحبه اش با آیت الله بی بی سی، بدون هیچ سند سیاسی و منطقی، مدعی میشود که همه جوانان برخلاف والدینشان با توجه به مطالعه و بدون تعصب، اینک طرفدار شاه فقید و او هستند! راستی کی یک رای گیری و نظرسنجی آزادانه برگزار شد؟! او در همین مصاحبه با آیت الله بی بی سی چنین میگوید: در زمان حکومت پدرم آزادی بسیار زیاد وجود داشت، زن و مرد با هم کاملاً برابر بودند و...!!! خب جناب پهلوی! اگر بقول شما برابری زن و مرد وجود داشت و شما هم ظاهراً خیلی طرفدار این برابری هستید، پس چرا خواهر بزرگ شما شهناز جانشین شاه پدرتان نیست و حق ندارد باشد؟! آیا بزع شما و خاندان مدرن و متمدن پهلوی برابری زن و مرد اینست؟ راستی اگر انقلاب نمیشد و شما روزی پادشاه میشدید دخترتان حق داشت طبق سنت برابرخواهانه خودتان و پدر ارجمندان بر تخت قدرت تکیه زد؟ دیگر اینکه، اگر آزادی سیاسی وجود داشت چرا زندانهای ایران پر از زندانی سیاسی بود؟ چرا خبرنگار کریم پور شیرازی را عمه خانم، اشرف پهلوی با نفت به آتش کشید و کشت؟ چرا دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه دولت قانونی دکتر مصدق، به دستور پدرتان در تب و بیماری اعدام شد؟ چند کتاب مارکسیستی با جمهوریخواهی در زمان رژیم پهلوی مجوز انتشار گرفت؟ آیا میتوانید فقط يك نمونه نام ببرید؟ فقط یک روزنامه منتقد نام ببرید؟ چرا روشنفکران بزرگی همانند بیژن جزنی را ساواک در زندان اوین بدستور پدر جان ترور کرد؟ چرا شاعری چون احمد شاملو را دولت آزاد پهلوی به زندان افکند؟! چرا نویسنده ای به نام خسرو گلبرخی را ساواک انقدر شکنجه کرد که خون ادرار می کرد؟ چرا اصلاً ساواک وجود داشت؟ اگر آزادی سیاسی در زمان پدر شما وجود داشت چرا همه احزاب را شخصاً پدر شما آقای محمد رضا ممنوعه اعلام کرد و گفت هیچ حزب دیگری حتی درباریهای طرفدار ایران نوین، از جمله نهیت وزیر وقت آقای امیرعباس هویدا نمیتواند فعالیت کند و همه احزاب و اتحادیه ها را ممنوع کرده بود؟ من در حیرتم آیا واقعا این تعریف شما از آزادیست؟! آیا دکتر علی شریعتی فارغ التحصیل دانشگاه سوربن فرانسه، به عنوان یک منتقد دانشگاهی، مستحق ۱۸ ماه انفرادی توسط نهاد زیر نظر پدرتان بود؟ آیا طعم تلخ زندان انفرادی را چشیده اید؟ آیا اینان حق اظهار نظر درباره وطنشان را نداشتند و فقط شاه بابا حق داشت؟! چرا؟؟؟ آقای رضا پهلوی، من شخصاً آرزو می کردم بعد از چهل سال زندگی کردن در اروپا و آمریکا، حداقل یکبار در انتقاد از پدرتان حرفی میزدید و اعتماد افرادی مانند مرا کمی به خود جلب میکردید، ولی با این دو مصاحبه اخیرتان میبینم که اینگونه نبوده و نیست. ای کاش در مصاحبه قبلی با آیت الله بی بی سی، ضمن انتقاد درستی که شما به چپاولگران کردید درباره خاندان و خانواده خودتان هم بخاطر میلیارد ها دلا جواهری که از ثروت دسترنج زحمتکشان ایران به غارت بردید و تا حدی که عمه محترمتان خانم اشرف پهلوی با نیمی از آن غارتها توانست يك جزیره کامل بخرد و در آن به تبهکاری هایش از جمله قاچاق بین المللی مواد مخدر ادامه دهد، يك ذره هم از آنهمه چپاول خانواده خودتان انتقاد میکردید! شما جوری از غارت مردم حرف میزنید که گویا اطلاع ندارید که پدر بزرگوار شما جناب محمدرضا شاه ۵۲ سال پیش کل هزینه درست کردن و براه انداختن مترو زیر زمینی سوئد را بخاطر عیش و عشرت پرستی اش به ملکه سوئد هدیه کرد در حالیکه بطور نمونه شاعر ارجمند ایران و پدر شعر نو نیمایوشیچ که برای ملاقات بستگانش به مازندران رفته بود، بدلیل ذات الریه و ساخته نبودن يك جاده خاکی از یوش به شهر دیر می رسد و چندی بعد می میرد. راستی آقای شازده! می شود قدری درباره منابع مالی تان و شغلتان توضیح دهید؟ جناب پهلوی، کشته شدن سه تن از دانشجویان نخبه ایران را بدستور پدر آزادیخواه و متمدنتان در روز ۱۶ آذر با گلوله را هم جزو پرونده درخشان آزادیخواهی پدر ارجمندان میگذارید؟ اسناد منتشر شده سازمان سیا آمریکا چی؟ جزو کارنامه درخشان پهلوی و بیسوادی مخالفین پدر ارجمندان می گذارید؟ من هیچ حساسیتی روی شما یا هر فرد دیگری ندارم. هر کس اکثریت آرای مردم را در یک شرایط آزاد بیاورد، برای یک بازه مشخص، طبق قانون، کشور را اداره خواهد کرد حتی اگر مورد پسند ما نباشد. آری ملت ایران شیخ ها را نمی خواهند، اما این به معنای بازگشت خیمه و خرگاه شاهی نیست. تاریخ بخوانید! تاریخ به عقب برنمی گردد. حتی سلطان ظاهر شاه نیز نتوانست افغانستان را دوباره تصاحب کند! عصر حکومت موروثی گذشته است! در میان ۸۰ میلیون ایرانی، آنقدر نخبه تحصیل کرده و سیاستمدار ملی گرا هست که بتواند اعتماد ایرانیان را جلب کند!"

(برگرفته از شبکه های اجتماعی)



## کودکان، اولین قربانیان دست جمهوری اسلامی هستند

عزیز عبدالله پور



در همان کنوانسیون کاغذی نقل شده آمده که همه کودکان حق دارند به مدرسه بروند و حق تحصیل دارند. در جمهوری

اسلامی برای تحصیل یا تدریس خرافات مذهبی اسلامی میلیون ها میلیون هزینه سالانه تعیین می کنند و پای آن می ایستند. برای کودکان زلزله زده، کودکان سیل زده، کودکان کار و خیابانی، کودکان قالی بافی، کودکان آشغال گردان، کودکانی که مجبور به تن فروشی شده اند، نه تنها هیچ هزینه ای اختصاص داده نشده و نمی شود، بلکه آن سیستم و فرهنگ فقط سرنوشت آن بچه ها را به پدر و مادرهای می سپارد که خود آنها بیکار و بی پول و گرسنه اند. پدر و مادری که گرسنه است، مریض است، به غذا و دارو احتیاج دارد، چگونه می تواند از بچه هایش نگهداری کند؟ چگونه میتواند آنها را به مدرسه بفرستد و هزینه هایشان را تامین نمایند؟

جمهوری اسلامی حتی حاضر نیستند هزینه ای برای بازسازی مدارس و بیمارستان های مناطق زلزله زده و سیل زده تعیین کنند. مردم فقیر را به دعا کردن دعوت می کنند و عاقبت فقرا را بدست خدا می سپارند، اما معلوم نیست خود سران این رژیم که مفت و مجانی هر کدام صاحب هزاران میلیارد دلار پول و ثروت شده اند چرا این ثروتها را برای فقرا و کودکان رها نمی کنند و زندگی و سرنوشت خود را به دست خدایشان بسپارند؟! جمهوری اسلامی برای جلوگیری از بی حجابی، میلیون ها هزینه می گذارند، برای جلوگیری از شادی کردن، رقص و ترانه گوش دادن کودکان میلیون ها هزینه میکند، و برای سرکوب کردن اعتراضات مردم فقیر و کارگران و زحمتکشانی که علیه گرانی، بیکاری، بی مسکنی، نداشتن حقوق اولیه، و به دلیل اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی، یعنی پدر و مادران خیلی از این کودکانی که اشاره کردیم، هزینه های کلان برای سرکوب این مطالبات و اعتراضات اختصاص داده است.

اما ما کارگران، زحمتکشان و مردم فقیر نباید بیشتر از این به این وضعیت تن بدیم. بیشتر از این نباید به جمهوری اسلامی ضد بشری فرصت تداوم این جنایتها را داد. کودکان امروز قرار است صاحبان آینده این جامعه باشند، و این جامعه را به شیوه انسانی، غیر مذهبی و با قانون و مقررات سکولار و مدرن سوسیالیستی بسازند و بجلو ببرند. جامعه ای که در آن نه کمبود مدارس و بیمارستان هست، نه کمبود غذا و آب مناسب و دارو و نه خبری از سرکوب و استثمار و تجاوز و کار کودکان است. کمک به کودکان و ارزش و احترام گذاری برای آنها به معنی کمک به ساختن یک جامعه شایسته انسان و ارزش گذاری برای یک زندگی بهتر، که سرنوشتی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری ضد کودک حاکم در ایران گام اول دست یافتن به این هدف محوری و انسانی جامعه است.

چه کسانی اولین قربانیان دست ضد بشری جمهوری اسلامی هستند؟ کودکان! (کنوانسیون حقوق کودک از ماده یکم: کودک به همه انسانهای زیر ۱۸ سال اطلاق میشود. ارزش کودک بطور کامل برابر ارزش یک انسان است. از مواد بیست و هشتم و بیست و نهم: کودک حق دارد به مدرسه برود و تحصیل کند. آموزش مدرسه باید کودک را برای زندگی در جامعه آماده کند، احترام به حقوق انسانی را با روح تفاهم، آرامش و مدارا پرورش دهد. از ماده دوم: همه کودکان، بدون تبعیض و تفاوت، حقوق یکسان و برابر دارند.)

اما کودکان در ایران حکومت اسلامی با چه سرنوشتی روبرو هستند؟ کودکانی که در خانواده های فقیر و کارگری و زحمتکش متولد می شویم، سرنوشت ما هیچ وقت با سرنوشت کودکی که در خانواده مرفه متولد می شود نه اینکه یک سان نیست، حتی مغایرت دارد با تمام ماده هایی که کنوانسیون حقوق بشر برای آنها ماده برایشان تعیین کرده است که کشورهای امضا کننده باید آنها را رعایت کنند و به آن ماده ها و قانون ها پایبند باشند. چند نمونه از کار کودکان کار در ایران. ۱- قالی بافی دستی، خانگی و کارخانه های عمده. ۲- دست فروشی برای کمک کردن به زنده ماندن خانواده، که شامل تهیه غذا، دارو و کمک کردن به تهیه امکانات اولیه برای زنده ماندن. ۳- بخشی از خانواده های فقیر هر سال در فصل شروع کار در کوره پزخانه ها، از بچه های حتی ۳، ۴ و ۵ ساله نیز استفاده میکنند که بتوانند مقداری پول تهیه کنند و خودشان را در زیر سرمای زمستان زنده نگاه دارند. ۴- کودکان آشغال گردان. این کودکان هر روز صبح بجای اینکه خودشان را برای رفتن به مدرسه آماده کنند، با لباس های کهنه و پاره پاره شده بر بدن راهی مناتق بیرون از شهر می شوند که در آشغال دانی های بزرگ بدنبال و سائلی بگردند که قابل خوردن و قابل فروش باشد. پولی که این کودکان آشغال گردان بدست می آورند ممکن است بیشتر از ۲ هزار تومان نباشد.

فقط این ۴ نمونه کافی است که به سرنوشت این کودکان در زندگی امروز و آینده آنها بیشتر دقت کرد. جمهوری اسلامی ایران زندگی امروز و آینده این بچه ها، زندگی کودکی را از آنها گرفته است و آنها را محکوم به مرگ تدریجی کرده است. این کودکان از به مدرسه رفتن محروم هستند. از بازی کردن محروم شده اند، از خندیدن محروم شده اند، از شاد بودن و شادی کردن و به سفر رفتن محروم شده اند. زندگی کنونی، آینده این کودکان را ناچاراً به مسیرهای معینی سوق میدهد. به دام مافیای افتادن، به مواد مخدر روی آوردن، به تن فروشی تن دادن برای تهیه پول برای مواد مخدر، یعنی آینده این کودکان روی آوردن به اعتیاد و یک زندگی بسیار درد آوری است، در موارد زیادی مجبور به خودکشی می شوند.

**دست مذهب از زندگی جامعه کوتاه!**

## سنندج و تکرار قتل های ناموسی و جنایت علیه زنان

جلال.ش

به دلیل فشارهای زندگی باز هم در سنندج مرگ ۲ انسان ۲ زن بی دفاع نه به دلیل مریضی خاص، نه تصادف بود، بلکه علت مرگ مرد صاحب اختیارش برای اتمام زندگی تصمیم گرفت که دیگر نباشند!!

قتل هم زمان دو خواهر بدست پدر و برادرشان در منزل پدریشان به ضرب چاقو به قتل رسیده اند. این یک رویداد وحشتناک و شرم آور است برای یک جامعه انسانی، باید به این جنایت و بیریت ضد زن خاتمه داد!

قتل ناموسی پدیده مختص یک جامعه خاص نیست در همه جای دنیا هستند مردانی که با قتل رساندن زنان، خواهران و دخترانشان مرتکب جنایت میشوند و مردانیکشان را اینگونه به ثبت میرسانند. بسیاری از آنها در مقابل هر قدرتی ولو ماموران امنیتی و پلیسی و هر حقارت و زورگویی و بیعدالتی را می پذیرند و جرات دم برآوردن ندارند، اما در لحظه کشتن زنان و خواهرانشان عریه می کشند احساس قدرت میکنند و ضدیت خود را با زن و زندگی به این شیوه به نمایش میگذارند.

زن آزاری وزن سنتیزی و تبعیض و خشونت علیه زنان هنوز یک واقعیت پا بر جای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبش های قوی و اجتماعی برای رهایی زن هنوز ستم جنسیتی در چهار گوشه جهان حکم میراند باید دلایلش را همین جا در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد. جنایت از سر جنون همیشه ممکن است وجود داشته باشد.

اما قربانیان این جنون عمدتاً زنان هستند دیگر اینجنون نیست بلکه بیان ناهنجاری گونه ای از عقل حاکم بر جامعه است، امروز در بطن تحولات موجود در جامعه و در زمانیکه جمهوری اسلامی در موقعیتی بسیار ضعیف از هر زمان طول حیات ۴۰ ساله خود قرار دارد در شرایطی که کارگران و زنان، معلمان، مالباختگان مردمی و مبارز که از فقر و بیکاری و گرانی و بیحقوقی جان به لبشان رسیده و در خیابان ها علیه دیکتاتورهای مذهبی شعار می دهند در این شرایط بسیار سخت در سنندج ۲ قتل ناموسی اتفاق می افتد. آن هم در شرایطی که از هر زمانی ضروری تر است که مردم بدون پرده پوشی وبی اما و اگر بر بی حقوقی و ضدیت با زنان بتازند و علیه این قتل ها بایستند و با اعلام موجودیت جبهه نه به قتل های ناموسی به میدان آمده و با اسم و رسم خود در مقابل تحجر و عقب ماندگی ناشی از مرد سالاری در سایه حمایت دین و مذهب ابراز وجود کنند و اجازه ندهند این جنایت به امری پیش پا افتاده و روزمره تبدیل شود. قربانیان این جنایات زنان بی دفاعی هستند که نه خود به تنهایی توان ایستادن در مقابل ستم جنسیتی را دارند و نه حمایت قانون را به همراه دارند.

اگر آنهایی که مرتکب این جنایت شده اند با خشم و نفرت علنی مردم روبرو نشوند میدان کماکان برای قتل های دیگر باز است. دفاع از قربانیان این جنایات وظیفه هر تک فردی است که خود را متعلق به طیف انسانهای آزادیخواه میدانند. نه به ارتجاع اسلامی و عرفی باید گفت نه به خشونت علیه زنان باید گفت. همه با هم متحدانه جلو رویم و جلو رو به گسترش این خشونت و جنایتها در سایه حاکمیت اسلامی و فرهنگ ارتجاعوی مرد سالارانه در ایران و خصوصاً در کردستان علیه زنان را بگیریم. جامعه نباید اجازه دهد که خانواده های این قربانیان تنها بمانند. باید قباحث چنین جنایتی شدیداً محکوم شود. اجازه نداد فرهنگ ناموس پرستی وزن سنتیزی بی جواب بماند و نباید در مقابل چنین فجایعی سکوت کنیم، ننگ و نفرت بر قتل



### نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته  
نشریه "سوسیالیسم  
امروز" منتشر میشود.  
آخرین زمان برای ارسال  
مطالب برای نشریه  
روزهای پنجشنبه هر هفته  
است.

### موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و  
ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر  
میشوند که تنها برای این  
نشریه فرستاده شده باشد.

- مسنولیت مقالات با  
نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در  
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت  
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً  
به این آدرس ایمیل بفرستید:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

### به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب  
کمک های مالی خود را برای  
ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما  
انسانهای مبارز و دلسوز  
مستقیماً به پیشرفت ما در  
جهت گسترش مبارزه خود  
برای آزادی و برابری و تداوم  
مبارزه همه جانبه تر خود به  
منظور سرنگونی جمهوری  
جنایتکار اسلامی کمک فوری  
خواهد کرد.

اخراج و بیکار سازی موقوف!